



بررسی وجود ذهنی از منظر ملاصدرا

^۱ مراد شمس الدینی ۲ محمد داد شاهی

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی / مدیریت آموزش و پرورش شهرستان بشارگرد، mshamsoldin@chmail.ir
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زیست شناسی جانوری (گرایش سلولی تکوینی) / دانشگاه پیام نور مرکز بین الملل قشم، dadshahimm@chmail.ir

چکیده

مطالعات و تحقیقات انجام شده تاکنون حاکی از آن است که مسئله وجود ذهنی از مباحثی است که ریشه در فلسفه و فیلسوفان یونان ندارد بلکه از مباحث و مسائل مهم مطرح شده در باب معرفت شناسی در فلسفه و کلام اسلامی به شمار می رود که در باب حقیقت علم نحوه تحقق و اثبات و بیان آن نقش مهمی را ایفا می کند. در این مقاله ضمن ارائه نظریات مختلف درباره وجود ذهنی و دلایل اثبات آن ها، با ذکر دلایلی به نقد آن ها پرداخته شده است و سپس نظریه ی ابتکاری ملاصدرا در این زمینه بیان شده است که اساس آن این است که هر مقوله ای که به ذهن می آید به حمل اولی ذاتی نه به حمل شایع صناعی همان مقوله است و آنچه به عنوان مفهوم در ذهن ترسیم می شود، در حقیقت و ذات خود کیف نفسانی است؛ و به وسیله این نظریه به اشکالات وجود ذهنی پاسخ داده شده است.

واژه های کلیدی

وجود عینی؛ وجود ذهنی؛ حمل اولی ذاتی؛ حمل شایع صناعی؛ ملاصدرا

مقدمه

قبل از پرداختن به مسئله وجود ذهنی لازم است به چند نکته توجه کنیم تا هضم موضوع برای ما آسان تر شود این نکات عبارتند از: ۱- اهمیت مسئله وجود ذهنی؛ وجود ذهنی با علم که از مهم ترین مسائل اساس بشر است ارتباط عمیقی دارد تاجایی که بعضی از حکماء وجود ذهنی را مترادف به علم دانسته اند.

۲- پیچیدگی و گستردگی مسئله وجود ذهنی؛ وجود ذهنی یکی از پیچیده ترین مسائل فلسفی و کلامی است به طوری که اختلاف شدیدی هم در بین فلاسفه و هم در بین متکلمان در این زمینه وجود دارد که به تبع این پیچیدگی و اختلاف و همچنین ارتباط آن بامسائلی از قبیل علم، عالم، معلوم، نفس و ... به گستردگی مبحث در جهت فهم آن دامن زده است بنابراین برای درک عمیق آن لازم است که تمامی منابع مرتبط با موضوع مورد مطالعه و بررسی عمیق قرار گیرند که این مهم زمانی طولانی را میطلبد.

۳- ابتکار ملاصدرا؛ بعضی با توجه به اینکه ریشه ی بعضی از اندیشه های او در آثار فیلسوفان و عارفان قبل از او یافت شده است به طور کلی نوآوری ها و شاه کارهای فلسفی، عرفانی و کلامی او را نادیده گرفته اند به طوری که در هیچ مسئله ای او را مبتکر و نوآورده حساب نمی آورند و بر این عقیده اند که او شارح عقاید پیشینیان است. اما محققان و پژوهشگران صاحب نظر بر وجود نوآوری در فلسفه او

هم عقیده اند، هر چند در شمار نوآوری های او اختلاف دارند. یکی از نوآوری های او در بحث وجود ذهنی است.

منشأ بحث وجود ذهنی (توضیحاتی در باب علم)

اگر بخواهیم به ریشه اصلی بحث وجود ذهنی بپردازیم می باید سری به نظرات متقدمین در فلسفه، در باب "تعریف علم" بزنیم. اساساً زمانی که پای ذهن به میان آید خود به خود به این سوی می رویم که نامی برای آنچه در ذهن انسان هست بیابیم و تعریفی دقیق از ذهنیات ارائه دهیم. محل نزاع دقیقاً همین جاست؛ تعریف "علم". البته اینجا منظور از علم، علم به معنای اعم آن است؛ یعنی آنچه در حوزه ادراکات بشر مطرح است و آنچه نزد ذهن حاضر می شود.

البته طرح بحث وجود ذهنی زمانی ممکن است که قبلاً ما به سؤالاتی پاسخ دهیم. سؤالاتی از این قبیل که جایگاه نفس و ذهن در تعریف علم کجا است؟ آیا آنچه در ذهن است خارجی است یا فقط ذهنی است؟

ابو نصر فارابی به پیروی از ارسطو علم را از مقوله کیف نفسانی می داند و نیز آن چنین تعریف می نماید که علم حصول صورت معلوم در نزد عالم است که این حصول یا با واسطه است (حس و هم خیال و ذاکره)، یا بی واسطه است (عقل، متفکره) [۱]. فخر رازی ماهیت علم را از سنخ تعلق و اضافه می داند. علم از دید او اضافه ذهن به معلوم خارجی است.

تاریخچه بحث وجود ذهنی

شواهد و مطالعات انجام شده حاکی از آن است که وجود ذهنی مسئله است که سابقه و پیشینه و ریشه ی در یونان و فلسفه یونان ندارد و برای اولین بار در اسلام و توسط فیلسوفان مسلمان مطرح شده است و به عبارتی دیگر می توان گفت از ابتکارات فیلسوفان مسلمان است ولی در اینکه کدام یک از فلاسفه مدعی آن هستند اختلاف نظر وجود داد و نظری قطعی در این باره وجود ندارد. در سخنان فارابی (۳۳۹-۲۶۰ ه) درباره ی ادراک و نحوه تحقق آن بحث شده است [۲] اما به طور مستقل درباره ی وجود ذهنی و آثارش نپرداخته است ولی لفظ وجود ذهنی در آثار ابن سینا در موارد متعددی به کار رفته است که به چند مورد از آن ها در اینجا اشاره خواهیم کرد که عبارت اند از:

۱- بوعلی سینا در کتاب التعلیقات می نویسد: المعنی العام لا وجود له فی الاعیان بل وجوده فی الذهن، کالحيوان مثلاً فاذا تخصص وجوده كان اما انساناً او حیواناً آخر» [۳] یعنی عام (کلی) در خارج وجود ندارد بلکه در ذهن موجود است مانند حیوان که چون وجودش تخصص یابد به صورت انسان یا حیوان دیگری در خواهد آمد.